

ترجمہ کامل متن

لہو

سید بن طاووس

باضمام محنت امام و فرجام شوم قاتلین حضرت سید الشہداء
و کرامت امام حسین و اول بیت آن حضرت علیہ السلام



ترجمہ سید بن طاووس: الشہداء



شابک : 978-600-5485-02-8

شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۴۱۲۰۸

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه کامل متن لہوف سیدین طاووس: باصمام مختارنامہ و ترجمہ شوم فائیں حضرت سیدالشہداء و کرامات امام حسین علیہ السلام و اہل بیت آن حضرت علیہم السلام/ ترجمہ و تحقیق اسلامی حسینی: مصحح و ویراستاران اعظم فاسمی، مریم فاسمی.

بہران: بوستان فرہن، ۱۳۹۰.

مشخصات نشر : ۲۵۲ص.

مشخصات ظاہری : اللہوف علی قتلی الطفوف، فارسی

عنوان فراردا دی : مختارنامہ، فارسی

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق - جزای دشمنان

موضوع : مختار بن ابی عبید، ۱ - ۶۷ق.

موضوع : واقعہ کربلا، ۶۱ق.

۲۹۷/۹۵۳۲

۱۳۹۰ ۱۲۱ الف/۵/BPT۱

ابن طاووس، علی بن موسی، ۵۸۹-۴۴۲ق.

اسلامی، سید عباس، مترجم

فاسمی، اعظم، ویراستار

فاسمی، مریم، ویراستار

فیہا

وضاحت فہرست نویسی :





مطابق احادیث و روایات معتبره

نام کتاب: ترجمه کامل متن لهوف (به انضمام مختار نامه)

مؤلف: سید بن طاووس ترجمه: اسلامی حسینی و اعظم قاسمی

مصححین و ویراستاران: اعظم قاسمی و مریم قاسمی

ناشر: انتشارات بوستان قرآن چاپ: پاسدار اسلام

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۰ تیراز: ۳۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۸۵-۰۲-۸ قیمت: ۷۲۰۰ تومان

مراکز پخش و فروش:

تهران: بوستان قرآن تلفن: ۹۱۱۳۳۸۰-۹۴۸۲ و ۹۴۵۲۵۸۹-۹۴

قم: آقای علی عابدینی همراه: ۹۱۲۵۵۲۱۵۴۳

حق چاپ برای ناشر محفوظ است. کلیه حقوق و حق چاپ سید، طرح روی جلد و عنوان کتاب
با نظرسنجی به قلم محمد علی مولف، مصطفی و هیرمند مصوبه ۱۳۹۸ بر روی کسرات
بوستان قرآن محفوظ است و مشخص چاپ نکردن قلمی هر می گردد

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف	۱۴
فصل اول:	
حوادث قبل از جنگ	
ولادت امام حسین (علیه السلام)	۲۷
محبت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به امام حسین (علیه السلام)	۲۷
تعزیت و تسلیت فرشتگان به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)	۲۹
گریه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در مصیبت امام حسین (علیه السلام)	۲۹
دو امانت گرانبهای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)	۳۱
دسته‌های مختلف امت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در روز قیامت	۳۳
فرمان یزید به حاکم مدینه	۳۵
حسین (علیه السلام) با یزید بیعت نخواهد کرد!	۳۵
خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است	۳۷
امام حسن (علیه السلام) در مصیبت امام حسین (علیه السلام) گریست	۳۹
آگاهی امام حسین (علیه السلام) از شهادت	۴۱
حقیقت سعادت شهادت در راه خدا	۴۱
ملاقات ابن عباس و عبدالله بن عمر با	
امام حسین (علیه السلام) در مکه معظمه ...	۴۵
سخنرانی «سلیمان بن صرد» در جمع شیعیان کوفه	۴۵
ارسال نامه‌های پیاپی به سوی امام حسین (علیه السلام)	۴۷
آخرین نامه کوفیان بی وفا	۴۹
آمدن حضرت مسلم (علیه السلام) به شهر کوفه و بیعت کوفیان	۵۱
انتصاب عبیدالله بن زیاد به امارت کوفه	۵۱
سخنرانی «یزید بن مسعود» در جمع اهالی بصره	۵۳
پاسخ اهالی بصره به سخنرانی یزید بن مسعود	۵۵
نامه یزید بن مسعود به امام حسین (علیه السلام)	۵۷
شهادت قاصد امام حسین (علیه السلام)	۵۷
ورود ابن زیاد به شهر کوفه	۵۹
رفتن هانی نزد عبیدالله بن زیاد	۵۹
هانی در مجلس ابن زیاد	۶۱
ضرب و شتم هانی در مجلس ابن زیاد	۶۵
اجتماع افراد قبیله مذحج در دفاع از هانی	۶۷
کوفیان، مسلم (علیه السلام) را تنها گذاشتند	۶۷



- جنگ سلحشورانه حضرت مسلم علیه السلام ۶۹
- با سربازان ابن زیاد ۶۹
- اسیر شدن حضرت مسلم علیه السلام ۷۱
- ششهادت حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام ۷۳
- شهادت «هانی بن عروه رضی الله عنه» ۷۵
- خبر دادن امام حسین علیه السلام از شهادت خود و یارانش ۷۷
- خطبه امام حسین علیه السلام هنگام حرکت از مکه ۷۹
- خروج امام حسین علیه السلام از شهر مکه معظمه ۷۹
- درخواست محمد بن حنفیه از امام حسین علیه السلام ۷۹
- خداوند می خواهد مرا گشته ببیند ۸۱
- خروج امام حسین علیه السلام و شرفتن محمد بن حنفیه ۸۳
- اعلام آمادگی ملانکه برای یاری رساندن به امام حسین علیه السلام ۸۳
- اعلام آمادگی جنیان برای یاری رساندن به امام حسین علیه السلام ۸۵
- مصادره اموال کاروان حکومتی ۸۷
- دل های کوفیان با تو و شمشیرهایشان علیه توست! ۸۷
- اشتیاق حضرت علی اکبر علیه السلام به شهادت در راه خدا ۸۷
- خبر دادن امام حسین علیه السلام از آینده کوفیان ۸۹
- پیوستن «زهیر بن قین» به کاروان امام حسین علیه السلام ۸۹
- رسیدن خبر شهادت مسلم علیه السلام به امام حسین علیه السلام ۹۱
- کیفیت شهادت «قیس بن مسهر» دومین قاصد امام حسین علیه السلام ۹۳
- روبه رو شدن کاروان امام حسین علیه السلام با لشکریان حر ۹۷
- من مرگ را جز سعادت نمی بینم ۹۷
- اعلان آمادگی یاران قبل از ورود به سرزمین کربلا ۹۹
- امام حسین علیه السلام قدم به سرزمین کربلا نهاد ۹۹
- بی تابی حضرت زینب کبری علیه السلام ۱۰۱
- دل داری دادن امام حسین علیه السلام به حضرت زینب کبری علیه السلام ۱۰۳
- چرا امام حسین علیه السلام اهل بیتش را با خود برد؟ ۱۰۵
- فصل دوم:
- وصف جنگ و حوادث روز عاشورا
- غلبه عطش و تشنگی بر اصحاب و خاندان امام حسین علیه السلام ۱۰۷
- امام حسین خود را معرفی کرد ۱۰۷
- امان نامه شمر برای حضرت عباس علیه السلام ۱۱۱
- طلب یک شب مهلت برای عبادت و نماز ۱۱۱
- آرام باش زینب ۱۱۳
- خطبه امام حسین علیه السلام در شب عاشورا ۱۱۳
- اعلام وفاداری خاندان و اصحاب در شب عاشورا ۱۱۵

ارادت و وفاداری «مسحمدین

بشیره» ۱۱۷

حالی روحانی یاران امام حسین علیه السلام در

شب عاشورا ۱۱۷

اشتیاق یاران امام حسین علیه السلام به لقای

خداوند ۱۱۹

خطبه امام حسین علیه السلام در مقابل

لشکریان ابن سعد ۱۱۹

عمر سعد اولین تیر را پرتاب کرد ۱۲۵

سخت شد غضب خدا بر این

امت ۱۲۵

امام حسین علیه السلام لقای حق را انتخاب

کرد ۱۲۵

خر، توبه کنان خدمت امام حسین

آمد ۱۲۷

شهادت «برترین خضیر» ۱۲۹

شهادت «وهابین خباب» ۱۲۹

شهادت «مسلمین غوسجه» و آخرین

وصیت او ۱۳۱

جانبازی «عمروین قرظه» در رکاب

امام حسین علیه السلام ۱۳۳

وفاداری و شهادت «جَوْن» ۱۳۳

اذن میدان «عمروین خالد

صیداوی» ۱۳۳

شهادت «حنظله بن سعد شبامی» ۱۳۵

اقامة نماز خون در ظهر عاشورا ۱۳۵

شهادت «سُویدین عمروین

ابی مُطاع» ۱۳۷

حضرت علی اکبر علیه السلام اذن میدان طلید

..... ۱۳۷

کارزار نمایان حضرت علی اکبر علیه السلام و

شهادت آن حضرت ۱۳۹

صبر کنید ای خاندان من! ۱۳۹

شهادت حضرت قاسم بن

الحسن علیه السلام ۱۴۱

آخرین بوسه امام حسین علیه السلام بر

صورت نازنین علی اصغر علیه السلام ۱۴۱

ذبح شدن حضرت علی اصغر علیه السلام در

آغوش امام حسین علیه السلام ۱۴۳

شهادت حضرت عباس علیه السلام ۱۴۳

شجاعت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهاد امام

حسین علیه السلام ۱۴۵

اگر دین ندارید آزاده باشید ۱۴۵

اصابت تیر سه شعبة مسموم به قلب

نازنین امام حسین علیه السلام ۱۴۷

شهادت عبدالله بن حسن علیه السلام ۱۴۹

شمر، قصد آتش زدن خیمه‌ها را

داشت ۱۴۹

طلب لباس کهنه ۱۵۱

عسزیز فاطمه از اسب سرنگون

گردید ۱۵۱

حمله لشکریان ابن سعد از همه سو بر

امام حسین علیه السلام ۱۵۳

جدا کردن سر مبارک امام حسین علیه السلام از

بدن ۱۵۳

انتقام مختار از سنان بن انس ۱۵۵

حضرت قائم، انتقام گیرنده خون

حسین علیه السلام ۱۵۵

دگرگونی کائنات در لحظه شهادت امام

حسین علیه السلام ۱۵۵



کشته‌ای زیباتر و نورانی‌تر از
 حسین علیه السلام ندیدم ۱۵۵
 غارت لباس‌های امام حسین علیه السلام
 توسط لشکریان ابن سعد ۱۵۷
 رسیدن خبر شهادت امام حسین علیه السلام به
 اهل حرم ۱۵۹
 غارت خیمه‌های خاندان پیامبر
 خدا صلوات الله علیه ۱۵۹
 غیرت یک زن در صحرای کربلا ۱۶۱
 بردن بانوان حرم به کنار قتلگاه شهیدان
 ۱۶۱
 ای پیامبر، این کشته فتاده به هامون
 حسین توسست ۱۶۱
 مرثیه سرایی زینب کبری علیه السلام بر امام
 حسین علیه السلام ۱۶۳
 حضرت سکینه علیه السلام پیکر مطهر پدر را
 رها نمی‌کرد ۱۶۵
 تاختن اسب بر روی پیکر پاک امام
 حسین علیه السلام ۱۶۵
 مجازات سیاهی لشکر ابن سعد ۱۶۷
 انتقام اهل بیت علیهم السلام از قاتلین امام
 حسین علیه السلام ۱۶۹
 قاتل امام حسین علیه السلام هرگز بخشیده
 نمی‌گردد ۱۷۱

فصل سوم:

حوادث بعد از شهادت امام حسین علیه السلام
 جدا کردن سرهای شهدا از بدن ۱۷۳
 حرکت کاروان اسرای اهل بیت به
 سوی کوفه ۱۷۳
 تقسیم سرهای شهداء بین قبایل

مختلف ۱۷۵
 تدفین و به خاک سپاری شهدای
 کربلا ۱۷۵
 ما اسرای آل محمدیم ۱۷۵
 زنده ماندن حسن بن حسن مثنی ۱۷۵
 ای کوفیان، برای ما گریه
 می‌کنید؟ ۱۷۷
 خطبه غرای زینب کبری علیه السلام در شهر
 کوفه ۱۷۷
 حال پریشان مردم کوفه بعد از شنیدن
 خطبه زینب کبری علیه السلام ۱۷۹
 خطبه فاطمه صغری علیه السلام در شهر کوفه
 ۱۸۱
 سخنرانی حضرت ام کلثوم علیه السلام در
 شهر کوفه ۱۸۷
 مرثیه حضرت ام کلثوم علیه السلام در رثای
 سالار شهیدان علیه السلام ۱۸۷
 اوج پریشان حالی کوفیان بعد از
 شنیدن سخنان اهل بیت ۱۸۹
 خطبه حضرت امام زین العابدین علیه السلام
 در جمع کوفیان ۱۸۹
 صلابت زینب کبری علیه السلام در مجلس
 ابن زیاد ۱۹۳
 جایی که زینب کبری علیه السلام جان امام
 سجاد علیه السلام را حفظ کرد ۱۹۵
 گرداندن سر مطهر امام حسین علیه السلام در
 کوچه‌های کوفه ۱۹۷
 اعتراض «عبدالله بن عقیف» به سخنان
 ابن زیاد ۱۹۷
 دستگیر شدن عبدالله بن عقیف ۱۹۹

شهادت عبدالله بن عقیف؛ نایب‌نای
روشن دل ۲۰۱
رسیدن خبر شهادت امام حسین (ع) به
مردم مدینه ۲۰۳
اقامه عزادری در شهر مدینه ۲۰۵
مرثیه هاتفی در تاریکی شب ۲۰۵
فرستادن سرها و اسرا به سوی
شام ۲۰۵
برو، ولی خداوند تو را نبخشاید ۲۰۷
آیا قاتلین حسین (ع) امید شفاعت جد
او را دارند؟ ۲۰۹
خیانت باطن و کفر شمر ۲۰۹
آیا نمی‌بینید چه بلایی بر ما نازل
شده؟ ۲۱۱
بیدار شدن پیرمرد جاهل از خواب
غفلت ۲۱۱
ورود اهل بیت به مجلس یزید .. ۲۱۵
کلام حضرت زینب (ع) در مجلس
یزید همه را گریاند ۲۱۵
مرثیه بانویی بنی هاشمی در مجلس
یزید ۲۱۵
خطبه افشاگرانه حضرت زینب
کبری (ع) در مجلس یزید ۲۱۷
سنگدلی و کفر یزید ۲۲۳
وای بر تو ای خطیب! ۲۲۵
مسحل اسکان اهل بیت در شهر
شام ۲۲۵
خواب شگفت حضرت سکینه (ع) در
شهر شام ۲۲۵
بی‌حرمتی امت پیامبر خاتم به اهل

بیت آن حضرت ۲۲۷
فرستاده روم از ماجرای سر امام
حسین (ع) سؤال کرد ۲۲۷
داستان کلیسای حافر ۲۲۹
روزگار مشقت بار اهل بیت (ع) در
شهر شام ۲۳۱
شیر را بچه همی ماند به او ۲۳۳
سه خواسته امام سجاد (ع) ۲۳۳
عزاداری اهل بیت (ع) در موسم
اربعین حسینی ۲۳۵
نوحه جنیان بر امام حسین (ع) ۲۳۵
بشیر، قاصد تلخ‌ترین خبرها برای اهل
مدینه ۲۳۷
استقبال غمبار اهل مدینه از کاروان
اهل بیت (ع) ۲۳۹
سخنرانی امام سجاد (ع) در حضور
اهل مدینه ۲۴۱
نوحه خوانی خانه‌های شهدای
کربلا ۲۴۳
مرثیه جانگداز «بن قیه» ۲۴۹
چهل سال عزاداری و سوگواری بر
سالار شهیدان (ع) ۲۴۹
مصیبت جانکاه حضرت
زین العابدین (ع) ۲۵۱

فصل چهارم:

قیام مختار بن ابوعبید ثقفی

مختار کیست؟ ۲۵۵
خواب شگفت مادر مختار قبل و بعد
از ولادت او ۲۵۵
دوران نوجوانی مختار ۲۵۶



کشته شدن عمر بن سعد و دیگر قاتلان	ویژگی های فردی..... ۲۵۶
امام حسین علیه السلام..... ۲۹۱	مختار از دیدگاه ائمه علیهم السلام..... ۲۵۶
انتقام از «حکیم بن طفیل»..... ۲۹۲	مختار در دامان امیرالمؤمنین
انتقام از قاتل حضرت علی	علی علیه السلام..... ۲۵۸
اکبر علیه السلام..... ۲۹۳	مسلم بن عقیل در خانه مختار... ۲۵۸
انتقام از قاتل «عبدالله بن مسلم بن عقیل»..... ۲۹۳	محبوس شدن مختار در زندان
انتقام از «سنان بن انس» و «عبدالله بن عقیل»..... ۲۹۳	عبدالله بن زیاد..... ۲۵۸
عقیه..... ۲۹۴	ملاقات مختار با «میثم تمار» در زندان
انتقام از «حرمله بن کاهل اسدی»..... ۲۹۵	ابن زیاد..... ۲۵۹
جایی که دل سنگ دشمن به حال امام	خلاص شدن مختار از زندان... ۲۵۹
حسین علیه السلام سوخت..... ۲۹۶	عبدالله بن مطیع والی کوفه
انتقام از «بجذل بن سلیم»..... ۲۹۷	می گردد..... ۲۶۰
انتقام مختار از دیگر قاتلین امام	احضار مختار توسط عبدالله بن مطیع..... ۲۶۲
حسین علیه السلام..... ۲۹۷	اعلام رضایت محمد بن حنفیه از قیام مختار..... ۲۶۲
رفتن ابراهیم بن اشتر به جنگ	پیوستن «ابراهیم بن مالک اشتر» به مختار..... ۲۶۴
ابن زیاد..... ۲۹۸	نقطه آغاز قیام مختار..... ۲۶۶
کشته شدن عبدالله بن زیاد..... ۲۹۹	پیوستن یاران مختار به او..... ۲۶۹
فرجام شوم «یزید بن معاویه»..... ۳۰۵	رویارویی لشکر ابن مطیع با سپاهیان مختار..... ۲۷۰
عاقبت «مختار بن ابوعبید ثقفی»..... ۳۰۷	بیعت کوفیان با مختار..... ۲۷۵
کشته شدن همسر مختار..... ۳۰۷	کشتن قاتلین امام حسین علیه السلام... ۲۷۷
محل قبر مختار..... ۳۰۸	انتقام از قاتلین امام حسین علیه السلام... ۲۸۸
فرجام شوم «مصعب بن زبیر»..... ۳۰۸	انتقام از تازندگان اسب بر پیکر پاک امام حسین علیه السلام..... ۲۸۹
فصل پنجم:	انتقام از غارتگران اموال امام حسین علیه السلام..... ۲۸۹
کرامات امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن	انتقام از «خولی بن یزید»..... ۲۹۰
حضرت علی علیه السلام	
کرامات امام حسین علیه السلام	
مولای من، به فریاد من برس!..... ۳۰۹	
توسلات من به سید الشهداء علیه السلام چه شد؟..... ۳۰۹	



کرامات حضرت زینب کبری (ع)

و حضرت رقیه (ع)

- سه بار قسم دادن خدا به نام زینب
کبری و برآورده شدن حاجت... ۳۲۴
شفای چشمان کور با دستان مبارک
حضرت زینب (ع)... ۳۲۴
شفا با گوشه مقنعه حضرت زینب
کبری (ع)... ۳۲۵
ختم توسل به حضرت زینب
کبری (ع)... ۳۲۶
مگر مرا صدا نزدی؟!... ۳۲۶
صاحب فرزند شدن به برکت توسل به
حضرت رقیه (ع)... ۳۲۷
کرامستی از سه ساله امام
حسین (ع)... ۳۲۸

کرامات حضرت علی اکبر (ع)

و حضرت علی اصغر (ع)

- باز شدن زبان با توسل به حضرت
علی اکبر (ع)... ۳۴۰
شفای بیمار سوطانی... ۳۴۰
دستان کوچکی که گره های بزرگ باز
می کنند... ۳۴۱
به هر کجا رسیده ام با توسل به
حضرت علی اصغر (ع) بوده... ۳۴۳
شفا با وساطت حجت بزرگ
حسینی... ۳۴۳

ترقی در درس و بحث... ۳۱۱

تأخیر در زمان مرگ با توسل به امام

حسین (ع)... ۳۱۲

عملی که باعث نجات آیت الله

امینی (ع) گردید... ۳۱۳

روضه خوانی در آخرین دقایق

عمر... ۳۱۴

عسراخانه مسا را دریابید!

... ۳۱۵

مجازات بی احترامی به عزادار امام

حسین (ع)... ۳۱۷

قطرات اشکی که معجزه کرد... ۳۱۸

شفای حنجره با اشک بر امام

حسین (ع)... ۳۱۹

کرامات حضرت عباس (ع)

تأثیر دو رکعت نماز هدیه... ۳۲۱

شفای مریض با توسل به قمر

بنی هاشم (ع)... ۳۲۴

توسل به حضرت قمر بنی هاشم (ع)

برای شفای فرزند... ۳۲۵

شفا در نام برطرف کننده غم

حسین (ع)... ۳۲۶

«یا عَبَّاسُ، أَنْتَ بَابُ الْحَوَائِجِ»

... ۳۲۷

خدا مقام باب الحوائجی را به حضرت

عباس (ع) بخشیده... ۳۲۹

حکایتی عجیب از باب الحوائج قمر

بنی هاشم (ع)... ۳۳۱

کرامتی از عالم نورانیت حضرت

ابا الفضل (ع)... ۳۳۲



بسمه تعالی

□ مقدمه مترجم

سلام بر خاک خونگرم کربلا که از صبح ازل، خداوند آن مکان پاک را آرامگاه عشاق و محل ریخته شدن خون‌های پاک کربلا بیان قرار داد و تا شام ابد، چشم محبین و دلدادگان حسین (علیه السلام) بر آن دوخته شده و در آرزوی زیارت آن تربت پاک و دیدن قتلگاه عشاق، سیل اشک‌هاست که از دیده‌ها جاری است. ای سرزمین کربلا، خوشا به حال تو ای خاک پاک که مرآت حسن الهی و روح قرآن و نور دیدگان مصطفی (صلی الله علیه و آله) را در آغوش خویش کشیدی. خوشا به حال تو ای تربت شریف که هیچ صبح و شامی نمی‌گذرد، مگر آنکه تمامی مکان‌ها و منزلگاه‌های مقدس، به تو و آن شهیدانی که در سینه خویش جای داده‌ای غبطه می‌خورند. ای خاک پاک، به محبین حسین (علیه السلام) خبر ده که در روز واقعه بر تو چه گذشت و شاهد چه بوده‌ای:

بگو، از گلوی تفتیده و لب خشکیده و چشم دریایی سقایی لب تشنگان حسینی سخن بگو. بگو که ماه طلعت ماه بی‌هاشم را دیدی که در روز طف همچون آفتاب فاطمه تماشایی گشته بود. آری، از غربت عباس (علیه السلام) و خالی گشتن مشک و از دریای چشم لب تشنگان در انتظار سخنی بگو.

ای آرامگاه خون خدا، در سوگ آن جوانی ناله سرده که دو چشمش، چشم حق بین پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بود و دو ابرویش ذوالفقار علی (علیه السلام)، درون پیکرش جان حسین (علیه السلام) بود و جمالش عید قربان حسین (علیه السلام). ناله سرده در سوگ یاس سرخ باغ شهادت که در واپسین لحظات حیات، به دست جد گرامی اش سیراب گردید و سوز عطشش اینگونه فرونشست؛ آری تا ابد در غم علی اکبر حسین (علیه السلام) جامه عزای بر تن نما.



ای خاک گلگون، غمنامه غنچه، نه یک باغ گل سرخ حسین و رباب علیه السلام را
بسرای مرثیه شش ماهه‌ای را بخوان که با لبخند شهادتی که به گل روی چو
ماهش بود، با پدر وداع کرد. آری لب بگشا و از مظلومیت باب مراد همه عالم،
علی اصغر حسین علیه السلام فریاد سرده.

ای خاک پاک، به محبین حسین علیه السلام خبر ده از اضطراب زینب کبری علیه السلام، بگو
که در کرب و بلا بر دُخت فاطمه علیه السلام و کوثر علی علیه السلام چه گذشت. از اندوه بیکران
سجاد علیه السلام؛ که جنب رویش پر از گلبوسه‌های خون خدا علیه السلام بود و از هفتاد و دو
عاشق به خون خفقه خیر ده.

آری، سلام خدا بر خاکی که جایگاه فرود عشاق گردید و محل ریخته شدن
خون آنان و آه سوزان محبین و دلدادگان حسین علیه السلام تا ابد بر اندوه و مصائب
کربلایان. آه سوزان بر فوت فضیلت همراهی در رکاب حسین علیه السلام. آه سوزان بر
آن لحظه‌ای که حضرتش علیه السلام آهنگ کرب و بلا نمود و آن لحظه‌ای که قدم به آن
خاک پاک نهاد و آه سوزان بر شهادت شور آفرین و غریبانه حسین علیه السلام.
«رَبَّنَا احْشُرْنَا مَعَ الْحُسَيْنِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ ۚ
وَلِلَّهِ الْحُكْمُ ۖ رَبَّنَا لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُ»

سید عباس اسلامی حسینی

قم المقدسه

رمضان المبارک ۱۴۳۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَتَجَلِّي لِعِبَادِهِ مِنْ أَفْقِ الْأَلْبَابِ، الْمُجَلِّي عَنْ مُرَادِهِ
بِمَنْطِقِ السُّنَّةِ وَالْكِتَابِ، الَّذِي نَزَّهَ أَوْلِيَاءَهُ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَسَمَا بِهِمْ
إِلَى أَنْوَاعِ الشُّرُورِ وَلَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ مُحَابَاةً لَهُمْ عَلَى الْخَلَائِقِ وَلَا
إِلْجَاءً لَهُمْ إِلَى جَمِيلِ الطَّرَائِقِ، بَلْ عَرَفَ مِنْهُمْ قَبُولًا لِلْأَطْفَافِ
وَأَسْتِخْفَافًا لِمَخَاسِنِ الْأَوْصَافِ، فَلَمْ يَرْضَ لَهُمُ التَّعَلُّقَ بِحِبَالِ الْإِهْمَالِ،
بَلْ وَقَّعَهُمُ لِلتَّحَلُّقِ بِكَمَالِ الْأَعْمَالِ، حَتَّى عَرَفَتْ نَفُوسُهُمْ عَمَّنْ سِوَاهُ وَ
عَرَفَتْ أَرْوَاحُهُمْ شَرَفَ رِضَاةِ، فَصَرَفُوا أَعْنَاقَ قُلُوبِهِمْ إِلَى ظِلِّهِ وَ
عَطَفُوا آمَالَهُمْ نَحْوَ كَرَمِهِ وَفَضْلِهِ.

فَتَرَى لَدَيْهِمْ فَرَحَةَ الْمُصْداقِ بِدَارِ بَقَائِهِ وَتَنْظُرُ عَلَيْهِمْ مِسْحَةَ
الْمُسْفِي مِنْ أخطارِ لِقَائِهِ وَلَا تَزَالُ أَشْوَاقُهُمْ مُتَضَاعِفَةً إِلَى مَا قَرَّبَ مِنْ
مُرَادِهِ وَارْتِيحِيَّتِهِمْ مُتَرَادِفَةً نَحْوَ إِضَارِهِ وَإِزَادِهِ وَاسْمَاعُهُمْ مُضْغِيَةً
إِلَى اسْتِنَاعِ أَسْرَارِهِ وَقُلُوبُهُمْ مُسْتَبْشِرَةٌ بِخَلَاوَةِ تَذْكَارِهِ، فَحَيَاتُهُمْ مِنْهُ
بِقَدْرِ ذَلِكَ التَّصْدِيقِ وَحَبَاهُمْ مِنْ لَدُنْهُ حَبَاءُ الْبِرِّ الشَّافِقِ.

فَمَا أَصْغَرَ عِنْدَهُمْ كُلُّ مَا شَغَلَ عَنْ جَلَالِهِ وَمَا أَتْرَكَهُمْ لِكُلِّ مَا بَاعَدَ
مِنْ وَضَائِهِ، حَتَّى أَنَّهُمْ لَيَسْتَمْتَعُونَ بِأَسْسِ ذَلِكَ الْكَرَمِ وَالْكَمَالِ وَ
يَكْسُوهُمْ أَبَدًا حُلَّ الْمَهَابَةِ وَالْجَلَالِ.

فَإِذَا عَرَفُوا أَنَّ حَيَاتَهُمْ مَانِعَةٌ عَنْ مُتَابَعَةِ مَرَامِهِ وَبَقَاءُهُمْ خَائِلٌ بَيْنَهُمْ
وَبَيْنَ إِكْرَامِهِ، خَلَعُوا أَثْوَابَ الْبَقَاءِ وَقَرَعُوا أَبْوَابَ اللَّقَاءِ وَ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



به نام خداوند بخشنده مهربان

شکر و سپاس از آن خدایی است که از افق خرد و اندیشه بر بندگانش تجلی کرد و به منطق و زبان سنت و کتاب، پرده از مراد و منظور خویش برداشت. همان خدایی که دوستان خود را از (آلوده شدن و فریفته شدن به) دار غرور (دنیا) منزّه ساخته و آنها را به انواع سرور، متنعم نمود و این همه (لطف و کرامت را) بی جهت به آنها عطا نکرد و نبخشید و آنها را به پیمودن راه‌های زیبا و نیکو مجبور نساخت، بلکه دریافت که آنها استحقاق و شایستگی قبول الطاف او و آراستگی به صفات کمال را دارند. پس راضی نگشت که آنها به ریسمان احمال و سستی درآویزند، بلکه برای تخلق به کمال اعمال، آنها را موفق داشت، تا اینکه آنان نفوس خویش را از هر چه جز خداست رها کرده و جان‌های پاکشان به شرف رضای حق آشنا گردد، پس قلب‌های خویش را متوجه سایه سار لطف خداوندی کرده و از کرم و فضل الهی، آمال و آرزوهای خویش را بخواهند.

در وجود آنها شادی می‌بینی که این شادی مخصوص دل‌های تصدیق‌گر آخرت است و بر آنها ترسی را شاهی که این ترس از هراس لقای پروردگار است. اشتیاق آنها به سوی هر چه که آنان را به مراد و خواسته پروردگارشان نزدیک می‌کند روزافزون است و تمایلشان به انجام دستوراتی است که از سوی خداوند صادر گردیده و گوش‌های آنها آماده شنیدن اسرار و رازهای الهی و دل‌های آنها به حلاوت ذکر خداوند شادمان است. پس خداوند آنان را به قدر تصدیق و به اندازه ایمانشان، بهره‌مند ساخته و همچون فرد نیکوکار و دلسوزی، از نزد خود، به ایشان بخشش نموده است.

آنچه که انسان را از جلال خداوند بازدارد، چه اندازه در نزد اولیای الهی بی‌ارزش است. آنها هر چه را که سبب دور شدن از وصال حق می‌گردد رها کرده تا بدانجا که به انس کرم و کمال خداوندی بهره‌ها می‌برند و همیشه لباس مهابت و جلال آنها را پوشانده است. پس وقتی به این حقیقت برسند که حیات و زندگانی آنها مانع اطاعت حق است و بقاء و ماندنشان حایلی بین ایشان و اکرام الهی است، لباس زندگی را بیرون آورده و درهای لقای حق را به صدا درمی‌آورند و



تَلَذُّوْا فِي طَلَبِ ذَلِكِ النَّجَاحِ بِبَذْلِ النُّفُوسِ وَ الْأَرْوَاحِ وَ عَرَضُوهَا
لِخَطَرِ السُّيُوفِ وَ الرِّمَاحِ.

وَ إِلَى ذَلِكِ التَّشْرِيفِ الْمُوصُوفِ سَمَتْ نُفُوسُ أَهْلِ الطُّفُوفِ، حَتَّى
تَنَافَسُوا فِي التَّقَدُّمِ إِلَى الْحُتُوفِ وَ أَصْبَحُوا نُهَبَ الرِّمَاحِ وَالسُّيُوفِ،
فَمَا أَحَقَّهُمْ بِوَصْفِ السَّيِّدِ الْمُرْتَضَى عِلْمُ الْهُدَى - رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ -
وَ قَدْ مَدَحَ مَنْ أَشْرَنَا إِلَيْهِ فَقَالَ:

لَهُمْ جُسُومٌ عَلَى الرَّمْضَاءِ مُهْمَلَةٌ وَ أَنْفُسٌ فِي جِوَارِ اللَّهِ يُقْرِبُهَا
كَأَنَّ قَاصِدَهَا بِالضَّرِّ، نَافِعُهَا وَ أَنَّ قَاتِلَهَا بِالسَّيْفِ مُحِبُّهَا
وَ لَوْلَا إِمْتِنَانُ أَمْرِ السُّنَّةِ وَ الْكِتَابِ فِي لَبْسِ شِعَارِ الْجَزَعِ وَ
الْمُضَابِ، لِأَجْلِ مَا طُمِسَ مِنْ أَعْلَامِ الْهِدَايَةِ وَ أُسِّسَ مِنْ أَرْكَانِ الْعَوَايَةِ
وَ تَأَسَّفَا عَلَى مَا فَاتَنَا مِنْ تِلْكَ السَّعَادَةِ وَ تَلَهَّفَا عَلَى أَمْثَالِ تِلْكَ
الشَّهَادَةِ وَ لَا كُنَّا قَدْ لَبِسْنَا لِتِلْكَ النِّعْمَةِ الْكُبْرَى، أَثْوَابَ الْمَسْرَةِ
وَالْبُشْرَى

وَ حَيْثُ أَنَّ فِي الْجَزَعِ رِضَى لِسُلْطَانِ الْمَغَادِ وَ غَرَضًا لِإِبْرَارِ الْعِبَادِ،
فَهَا نَحْنُ قَدْ لَبِسْنَا سِرْبَالَ الْجُرُوعِ وَ آيَسْنَا بِإِنْهَالِ الدَّمُوعِ وَ قُلْنَا
لِلْعُيُونِ جُودِي بِتَوَاتُرِ الْبُكَاءِ وَ لِلْقُلُوبِ جُدِّي جِدَّ ثَوَاكِلِ النِّسَاءِ، فَإِنَّ
وَدَائِعَ الرُّسُولِ ﷺ الرُّؤُوفِ أَضْيَعَتْ يَوْمَ الطُّفُوفِ وَ رُسُومَ وَصِيَّهِ
بِحَرَمِهِ وَ أَبْنَائِهِ طُمِسَتْ بِأَيْدِي أُمَّتِهِ وَ أَعْدَائِهِ.

فَيَا اللَّهَ مِنْ تِلْكَ الْقَوَادِحِ الْمُفْرِحَةِ لِلْقُلُوبِ وَ الْجَوَائِحِ الْمُصْرَحَةِ
بِالْكُرُوبِ وَ الْمَضَائِبِ الْمُصْغَرَّةِ كُلِّ بَلَوَى وَ النَّوَائِبِ الْمُفْرِقَةِ شَمْلٍ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





شماره اول



از اینکه در طلب این رستگاری، جان خود و ارواحشان را بذل می‌نمایند و خود را در معرض شمشیرها و نیزه‌ها قرار می‌دهند لذت می‌برند.

برای رسیدن به چنین شرافتی بود که جان کربلاییان به اشتیاق درآمد تا بدانجا که برای نیل به فوز عظیم شهادت، از یکدیگر پیشی می‌گرفتند و نیزه‌ها و شمشیرها را به جان می‌خریدند. «سید مرتضی علم الهدی (ع)» چه شایسته و زیبا در حق آنها سروده و اینگونه مدح اولیاء الله را کرده که گفت:

«پیکرهای پاک آنها بر روی خاک گرم کربلا افتاده بود و جان‌هایشان در جوار الهی میهمان بود.

گویی آن کسان که قصد آسیب و گزند آنها را داشتند به آنها نفع و فایده رسانده بودند و قاتلین و کشتندگان آنها، با شمشیر، آنها را زنده کرده بودند.»

و اگر نبود امثال و فرمانبرداری امر سنت و کتاب در پوشیدن لباس اندوه و مصیبت برای از بین رفتن نشانه‌های هدایت و پایه‌گذاری ارکان گمراهی و تأسف بر آن سعادت‌ی که از ما فوت گردیده و اندوه و آه سوزان بر این شهادت، جای آن داشت که بر این نعمت بزرگ، لباس مسرت و شادی به تن می‌کردیم.

اما از آنجایی که ناله و زاری در این مصیبت، رضایت و خشنودی است برای خداوند صاحب روز جزا و حکمتی است برای بندگان بیکوکار، پس ما نیز لباس غم بر تن کردیم و به ریختن اشک انس گرفتیم و به چشمان خود گفتیم که اشک پیایی بیارید و در این راه کم نگذارید و به قلب‌هایمان گفتیم که همچون زنانی که فرزند از دست داده‌اند، بنالید، پس همانا خون و دایع و ذخایر پیامبر مهربان (ص) در گرمای روز عاشورا بر زمین ریخته شد و سفارشات و وصایای آن حضرت درباره حرم و فرزندان به دست امتش و دشمنانش از بین رفت.

بارخدا، ما به تو پناه می‌بریم از این همه مصیبت جانکاه که دل‌ها را جریحه‌دار کرده و از این رنج‌ها و غم بزرگ که اندوه را به فریاد مبدل ساخته و از این مصیبت که تمامی مصائب در برابر آن کوچک هستند و از این اتفاقات غمبار که کانون



نَفْسُ

التَّوَى وَ السِّهَامِ الَّتِي أَرَاقَتْ دَمَ الرِّسَالَةِ وَ الْآيِدَى الَّتِي سَاقَتْ سَبَى
الْجَلَالَةِ وَ الرِّزْيَةِ الَّتِي نَكَسَتْ رُؤُوسَ الْأَبْدَالِ وَ الْبِلْيَةِ الَّتِي سَلَبَتْ
نُفُوسَ خَيْرِ الْأَلِ وَ الشَّمَاتَةِ الَّتِي رَكَسَتْ أُسُودَ الرِّجَالِ وَ الْفَجِيعَةِ الَّتِي
بَلَغَ رُزُؤُهَا إِلَى جَبْرِئِيلَ وَ الْفَطِيعَةِ الَّتِي عَظُمَتْ عَلَى الرَّبِّ الْجَلِيلِ وَ
كَيْفَ لَا يَكُونُ كَذَلِكَ وَ قَدْ أَصْبَحَ لَحْمُ رَسُولِ اللَّهِ مُجَرِّدًا عَلَى الرَّمَالِ
وَ دَمُهُ الشَّرِيفِ مَسْفُوكًا بِسُيُوفِ أَهْلِ الضَّلَالِ وَ وُجُوهُ بَنَاتِهِ مَبْدُولَةٌ
لِعَيْنِ الشَّائِقِ وَ الشَّامِتِ وَ سَلْبُهُنَّ يَمَنْظَرُ مِنَ النَّاطِقِ وَ الصَّامِتِ وَ
تِلْكَ الْأَبْدَانُ الْمُعْظَمَةُ غَارِيَةٌ مِنَ الثِّيَابِ وَ الْأَجْسَادُ الْمُكَرَّمَةُ جَائِيَةٌ
عَلَى التُّرَابِ



مَصَائِبُ بَدَدَتْ شَمْلَ النَّبِيِّ فَنَفَى قَلْبِ الْهُدَى أَشْهُمُ يَطْفَنُ بِالتَّلَفِ
وَ نَاعِيَاتُ إِذَا مَا مَلَّ ذُو الْوَالِمِ سَرَتْ عَلَيْهِ بِنَارِ الْحُزَنِ وَ الْأَسَفِ
فَيَا لَيْتَ لِفَاطِمَةَ وَ أَبِهَا عَيْنًا تَنْظُرُ إِلَى بَنَاتِهَا وَ بَنِيهَا، مَا بَيْنَ
مَسْلُوبٍ وَ جَرِيحٍ وَ مَسْحُوبٍ وَ ذَبِيحٍ وَ بَنَاتِ النَّبُوَّةِ مُشَقَّاتُ الْجُيُوبِ
وَ مَفْجُوعَاتُ بِفَقْدِ الْمَحْبُوبِ وَ نَاشِرَاتُ لِلشُّعُورِ وَ بَارِزَاتُ مِنَ
الْخُدُورِ وَ لَاطِمَاتُ لِلْخُدُودِ وَ غَادِمَاتُ لِلْجُدُودِ وَ مُبْدِيَاتُ لِلنِّيَاحَةِ وَ
الْعَوِيلِ وَ فَاقِدَاتُ لِلْمُحَامِي وَ الْكَفِيلِ.

فَيَا أَهْلَ الْبُضَائِرِ مِنَ الْأَنَامِ وَ يَا ذَوِي النَّوَاطِرِ وَ الْأَفْهَامِ، حَدِّثُوا
نُفُوسَكُمْ بِمَصَائِبِ هَاتِيكَ الْعِتْرَةِ وَ نُوحُوا بِاللَّهِ لِتِلْكَ الْوَحْدَةِ وَ
الْكُثْرَةِ وَ سَاعِدُوهُمْ بِمُؤَالَاةِ الْوَجْدِ وَ الْعُبْرَةِ وَ تَأَسَّفُوا عَلَى قَوَاتِ تِلْكَ
النُّصْرَةِ، فَإِنَّ نُفُوسَ أَوْلِيكَ الْأَقْوَامِ وَ دَائِعُ سُلْطَانِ الْأَنَامِ وَ ثَمَرَةُ فُؤَادِ





سوز و غم



پرهیزگاری و تقوا را پریشان کرد و از تیرهایی که خون (خاندان) رسالت را بر زمین جاری کرد و از دستانی که (خاندان) جلالت را به اسارت گرفتند و از مصیبت و رنجی که سبب سرشکستگی ابدال گردید و از بلایی که باعث گرفته شدن جان بهترین خاندان شد و از شماتی که دست شیرمردان را بست و از فاجعه‌ای که غم آن به جبریل امین علیه السلام نیز رسید و از حادثه جانسوزی که بر پروردگار جلیل نیز عظیم و بزرگ است، و چرا چنین نباشد و حال آنکه روز پرتوافکن گردید، در حالی که پاره تن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برهنه و عریان، روی شن‌های داغ کرب و بلا افتاده بود و خون شریف او به شمشیر اهل ضلال و گمراهی بر روی زمین جاری گشته بود و بانوان حرمش در معرض دید هر تحقیرکننده و سرزنشگری درآمدند و آن بدن‌های معظم و بزرگ، بی آنکه لباسی داشته باشند و آن پیکرهای گرامی بر روی خاک افتاده بودند.

مصائبی به وقوع پیوست که خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را پریشان ساخت و تیرهای کشته‌ای در اثر این حادثه به قلب هدایت نشست. بار این غم و این مصیبت، خبردهندگان شهادت را به آتش حزن و اسف سوزانده و آتش زده است.

کاش حضرت زهرا علیها السلام و پدرش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به دختران و پسرانشان می‌نگریستند (و این صحنه را می‌دیدند) که بعضی از آنها مجروح و اسیرند و بعضی دیگر در خاک و خون افتاده و ذبح شده. دختران نبوت برای از دست دادن حامیان و سرپرستان خویش، گریبان پاره کرده و در غم دوری محبوب مصیبت زده‌اند و موهایشان پریشان و رخسارشان آشکار است، و بر صورت خویش سیلی زده‌اند و فریاد نوحه و زاری سرداده‌اند.

پس ای انسان‌های بصیر و روشن ضمیر و ای صاحبان نظر و فهم، مصائب عترت پاک نبی صلی الله علیه و آله را یاد کنید و شما را به خدا بر غربت آنها و کثرت دشمنانشان نوحه سرایی کنید و با غمگساری و سیل اشک خویش آنها را یاری دهید و تأسف بخورید بر اینکه یاری آنها را از دست داده‌اید؛ زیرا جان‌های آنها، ودایع و ذخایر پروردگار جهان و میوه دل



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّسُولِ ﷺ وَ قُرَّةُ عَيْنِ الزَّهْرَاءِ السَّبْوَلِ وَ مَنْ كَانَ يَرْشِفُ بِفَمِهِ
الشَّرِيفِ ثَنَائِيَهُمْ وَ يُفَضِّلُ عَلَى أُمَّتِهِ، أُمَّهُمْ وَ آبَاهُمْ؟
إِنْ كُنْتُ فِي شَكٍّ فَسَلْ عَنْ خَالِهِمْ

سُنَنَ الرَّسُولِ وَ مُحْكَمَ التَّنْزِيلِ

فَهُنَاكَ أَعْدَلُ شَاهِدٍ لِدَوَى الْحِجْبِ

وَ بَيَانُ فَضْلِهِمْ عَلَى التَّفْصِيلِ

وَوَصِيَّةُ سَبَقَتْ لِأَحْمَدَ فِيهِمْ

جَاءَتْ إِلَيْهِ عَلَى يَدَيِ جِبْرِيلِ

وَ كَيْفَ طَابَتِ النُّفُوسُ مَعَ تَدَانِي الْأَزْمَانِ بِمُقَابَلَةِ إِحْسَانِ جَدِّهِمْ
بِالْكَفْرَانِ وَ تَكْدِيرِ عَيْشِهِ بِتَغْذِيبِ ثَمَرَةِ قُودِهِ وَ تَصْغِيرِ قَدْرِهِ بِإِرَاقَةِ
دِمَاءِ أَوْلَادِهِ؟!

وَ أَيْنَ مَوْضِعُ الْقَبُولِ لَوْضَائِيَّاهُ بِعِشْرَتِهِ وَ آلِهِ؟ وَ مَا الْجَوَابُ عِنْدَ
لِقَائِهِ وَ سُؤَالِهِ؟ وَ قَدْ هَدِمَ الْقَوْمُ مَا بَنَاهُ وَ نَادَى الْإِسْلَامُ وَ أَكْرَبَاهُ!

فَيَا لِلَّهِ مِنْ قَلْبٍ لَا يَتَصَدَّقُ لِتَذْكَارِ تِلْكَ الْأُمُورِ! وَ يَا عَجَبَاهُ مِنْ
غَفْلَةِ أَهْلِ الدُّهُورِ وَ مَا عُذْرُ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ فِي إِضَاعَةِ أَقْسَامِ
الْأَحْزَانِ! أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ مُحَمَّدًا ﷺ مَوْثُورٌ وَ جِيعٌ؟ وَ حَسْبِيهِ مَقْهُورٌ
صَرِيعٌ؟ وَ الْمَلَائِكَةُ يُعْزُونُهُ عَلَى جَلِيلِ مُضَابِيهِ؟ وَ الْأَنْبِيَاءُ يُشَارِكُونَهُ
فِي أَحْزَانِهِ وَ أَوْضَابِيهِ؟

فَيَا أَهْلَ الْوَفَاءِ لِخَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، عَلَامَ لَا تُوَاسُونَهُ فِي الْبُكَاءِ؟



پیامبر خدا ﷺ و نور چشم زهرای بتول علیها السلام بود؛ همان پیغمبری که با دهان شریفش، دندان‌های آنها را می‌بوسید و پدر و مادر آنها را بر همه امتش برتری می‌داد.

اگر هنوز هم در (مقام و مرتبه آنها) شک و تردیدی داری، پس حال آنها و منزلت و جایگاهشان را از سنن پیامبر خدا ﷺ و قرآن سؤال کن.

پس قرآن و سنت برای صاحبان عقل و خرد شاهدانی عادلند که فضیلت و برتری آنها به تفصیل در آن بیان شده است.

خداوند بر پیامبر خود به وسیله وحی و توسط جبریل، سفارش آنها را از قبل کرده بود.

چگونه این مردم با اینکه زمانی نگذشته بود، اینگونه جواب نیکی‌ها و احسان جد او را با کفران و ناسپاسی دادند و خاطر گرامی‌اش را با مصائبی که بر میوه دلش وارد آوردند مکدر ساختند و با ریختن خون فرزندان، قدر و منزلتش را کوچک شمردند.

پس آن همه وصایا و سفارش (که پیامبر خدا ﷺ درباره عترت و خاندانش نمود) چه شد؟ و آنها هنگام ملاقات با پیامبر خدا ﷺ و سؤال او از عترتش، چه پاسخی به آن حضرت خواهند داد؟ و حال آنکه آنان آنچه را که او بنا نهاده بود، از بین بردند و فریاد «وای از این رنج و مصیبت» از اسلام برخاست.

پس به خدا پناه می‌بریم از قلبی که از به یاد آوردن این مصیبت‌ها نلرزد و شگفتا از غفلت و بی‌خبری اهل روزگار، و عذر مسلمانان و مؤمنین در کوتاهی و ورزیدن در (اقامه) این مصیبت چه می‌تواند باشد؟ آیا نمی‌دانند که انتقام کشته‌ال محمد گرفته نشده است؟ آیا نمی‌دانند که پیامبر خدا ﷺ هنوز در غم این مصیبت سوگوار است؟ آیا نمی‌دانند که حبیب پیامبر خدا ﷺ (حسین علیا) کشته شده و بر روی خاک‌ها افتاده و فرشتگان و ملائکه آن حضرت را بر این مصیبت بزرگ تعزیت و تسلیت می‌دهند و انبیاء و پیامبران الهی خود را در حزن و غم آن حضرت شریک می‌دانند؟

پس ای وفاداران به پیامبر خاتم، چرا در گریستن با آن حضرت همراهی نمی‌کنید؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِاللَّهِ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُحِبُّ لَوْلَدِ الزَّهْرَاءِ، نَحْ مَعَهَا عَلَى الْمَثْبُودِينَ
بِالْعَرَاءِ وَ جُدْ وَيَحْكُ بِالدَّمُوعِ السَّجَامِ وَابْكِ عَلَى مُلُوكِ الْإِسْلَامِ،
لَعَلَّكَ تَحُوزُ ثَوَابَ الْمُوَاسِي لَهُمْ فِي الْمَضَابِ وَ تَفُوزُ بِالسَّعَادَةِ يَوْمَ
الْحِسَابِ.

فَقَدْ رَوَى عَنْ مَوْلَانَا الْبَاقِرِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: كَانَ رَيْنُ الْعَابِدِينَ (ع) يَقُولُ:
«أَيُّمَا مُؤْمِنٍ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ (ع) حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ، بَوَّاهُ
اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ غُرَفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا وَأَيُّمَا مُؤْمِنٍ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى
تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ فِيمَا مَسَّنَا مِنَ الْأَذَى مِنْ عَدُونِنَا فِي الدُّنْيَا، بَوَّاهُ اللَّهُ
مَنْزِلَ صَدَقٍ وَأَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَسَّهُ أَذَى فِينَا، صَرَفَ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ الْأَذَى
وَ آمَنَهُ مِنْ سَخَطِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

وَ رَوَى عَنْ مَوْلَانَا الصَّادِقِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ ذَكَرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ
عَيْنَاهُ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ الذُّبَابَةِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ
الْبَحْرِ.»

وَ رَوَى أَيْضًا عَنْ آلِ الرَّسُولِ (ع) أَنَّهُمْ قَالُوا: «مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى فِينَا
مِائَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى خَمْسِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَكَى وَ
أَبْكَى ثَلَاثِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى عِشْرِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ
بَكَى وَ أَبْكَى عَشْرَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ
مَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ.»

قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ طَاوُوسِ الْحُسَيْنِيِّ - جَامِعُ
هَذَا الْكِتَابِ - : «إِنَّ مِنْ أَجْلِ التَّبَوَاعِثِ لَنَا عَلَى سُلُوكِ هَذَا الْكِتَابِ،





شما را به خدا سوگند می‌دهم ای دوستان و ای محبین پدر زهرا، با حضرت زهرا علیها السلام بر سوگ به خاک افتادگان بیابان کربلا همناله شوید و نوحه سرایی کنید. وای بر تو اشک خود را روانه ساز و بر بزرگان اسلام گریه سر ده، شاید به پاداش کسانی که در این مصیبت با اهل بیت همدردی کرده‌اند بررسی و به سعادت و رستگاری روز قیامت نایل آیی.

به تحقیق از مولا و سرورمان حضرت امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: حضرت زین العابدین علیه السلام می‌فرمود: «هر مؤمنی که برای شهادت حسین علیه السلام چشمانش اشک آلود شود، تا بدانجا که اشک بر روی گونه‌هایش جاری گردد، خداوند غرفه‌ای بهشتی به او می‌بخشد که سالیان دراز در آن زندگی کند و هر مؤمنی که به خاطر اذیت و آزاری که در دنیا از سوی دشمنان به ما رسید، اشک بریزد، به گونه‌ای که اشک بر روی صورتش جاری شود، خداوند او را در منزل صدق جای می‌دهد و هر مؤمنی که در راه ما اذیت و آزار شود، خداوند (در روز قیامت،) او را عذاب نکند و او را در روز قیامت از آتش جهنم ایمن نگاه دارد.»

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «هر کس مصائب ما یاد شود، و او چشمانش خیس شود، ولو به اندازه بال مگس، خداوند گناهان او را می‌بخشد، هر چند که گناهان او به اندازه کف دریاها باشد.»

و باز از خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که گفته‌اند: «هر کس در مصیبت ما گریه کند و صد نفر را بگریاند، بهشت از آن اوست و هر کس در مصیبت ما گریه کند و پنجاه نفر را بگریاند، بهشت از آن اوست و هر کس در مصیبت ما گریه کند و سی نفر را بگریاند، بهشت از آن اوست و هر کس در مصیبت ما گریه کند و ده نفر را بگریاند، بهشت از آن اوست و هر کس در مصیبت ما گریه کند و یک نفر را بگریاند، بهشت از آن اوست و هر کس خود به تنهایی در مصیبت ما گریه کند، بهشت از آن اوست.»

مؤلف کتاب لهوف جناب «سید بن طاووس رحمه الله» می‌گوید: «بزرگ‌ترین انگیزه‌ای که سبب گردید من دست به تألیف و نوشتن این کتاب بزنم این بود که



أَنْبَى لَمَّا جَمَعْتُ كِتَابَ «مِصْبَاحِ الزَّائِرِ وَجَنَاحِ الْمُسَافِرِ» وَرَأَيْتُهُ قَدْ
اِحْتَوَى عَلَى أَقْطَارِ مَحَاسِنِ الزِّيَارَاتِ وَ مُخْتَارِ أَعْمَالِ تِلْكَ الْأَوْقَاتِ،
فَحَامِلُهُ مُسْتَعْنٍ عَنْ نَقْلِ مِصْبَاحٍ لِذَلِكَ الْوَقْتِ الشَّرِيفِ، أَوْ حَمْلِ مَزَارٍ
كَبِيرٍ أَوْ لَطِيفٍ، أَحَبِّتُ أَيْضاً أَنْ يَكُونَ حَامِلُهُ مُسْتَعْنِياً عَنْ نَقْلِ مَقْتَلٍ فِي
زِيَارَةِ غَاشُورَاءٍ إِلَى مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - ، فَوَضَعْتُ
هَذَا الْكِتَابَ لِيُضَمَّ إِلَيْهِ وَقَدْ جَمَعْتُ هَاهُنَا مَا يَصْلُحُ لِضَبْقِ وَقْتِ الزُّوَارِ
وَعَدَلْتُ عَنِ الْإِطْنَابِ وَالْإِكْثَارِ وَفِيهِ غُنْيَةٌ لِفَتْحِ أَبْوَابِ الْأَشْجَانِ وَ
بُغْيَةِ لُجُجِ أَرْبَابِ الْإِيمَانِ.

فَإِنَّا وَضَعْنَا فِي أَجْسَادِ مَعْنَاهُ رُوحَ مَا يَلِيقُ بِمَعْنَاهُ وَقَدْ تَرَجَّمْتُهُ
بِكِتَابِ «اللَّهُوْفُ عَلَى قَتْلِ الطُّفُوفِ» وَ وَضَعْتُهُ عَلَى ثَلَاثَةِ مَسَالِكَ،
مُسْتَعِيناً بِالزُّوُوفِ الْمَالِكِ:

- ١ - الْمَسْلُكُ الْأَوَّلُ: فِي الْأُمُورِ الْمُتَقَدِّمَةِ عَلَى الْقِتَالِ.
- ٢ - الْمَسْلُكُ الثَّانِي: فِي وَصْفِ الْقِتَالِ وَ مَا يَقْرُبُ مِنْ تِلْكَ الْحَالِ.
- ٣ - الْمَسْلُكُ الثَّلَاثُ: فِي الْأُمُورِ الْمُتَأَخِّرَةِ عَنْ قَتْلِهِ ﷺ.

پیش از این کتاب «مصباح الزائر و جناح المسافر» را گردآوری کردم و دیدم کتابی حاوی بهترین زیارات و برگزیده اعمال هنگام زیارت گردید که هر کس آن را با خود داشته باشد، از بردن هر کتاب زیارتی دیگری بی‌نیاز است، به همین خاطر دوست داشتم (کتاب دیگری نیز در باب مقتل امام حسین علیه السلام جمع آوری کنم) که دارنده آن، از زیارت عاشورا و هر مقتل دیگری بی‌نیاز گردد. به همین خاطر این کتاب را نوشته و ضمیمه آن کردم و از آنجا که وقت زائران حسینی علیه السلام تنگ است، مطالب این کتاب را مختصر و فشرده بیان کردم و به همین کفایت کردم که این کتاب، بازکننده درهای غم و اندوه (بر روی دوستان و محبین امام حسین علیه السلام) باشد و سبب نجات و رستگاری اهل ایمان گردد.

در این کتاب، مفاهیم بسیار ارزشمند و حقایق باارزشی در قالب کلمات گرد آورده و نام آن را «آه سوزان بر کشته شدگان کربلا» نامیدم و با یاری خداوند مهربان، سه فصل برای آن در نظر گرفتم:

فصل اول: حوادث قبل از جنگ

فصل دوم: وصف جنگ و حوادث روز عاشورا

فصل سوم: حوادث بعد از شهادت امام حسین علیه السلام.

الْمَسْئَلَةُ الْأُولَى

فِي الْأُمُورِ الْبَتِّدِيمَةِ عَلَى الْقِتَالِ

كَانَ مَوْلِدُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِخَمْسِ لَيَالٍ خَلَوْنَ مِنْ شَعْبَانَ سَنَةِ أَرْبَعٍ مِنَ
الْهِجْرَةِ وَقِيلَ: الْيَوْمُ الثَّالِثُ مِنْهُ وَقِيلَ: فِي أَوَاخِرِ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ
سَنَةِ ثَلَاثٍ مِنَ الْهِجْرَةِ وَرُويَ غَيْرُ ذَلِكَ وَلَمَّا وُلِدَ هَبَطَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ
مَعَهُ أَلْفُ مَلَكٍ يُهَنِّئُونَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِوِلَادَتِهِ وَجَاءَتْ بِهِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِلَى
النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَرَّ بِهِ وَ سَمَّاهُ حُسَيْنًا.

فِي الطَّبَقَاتِ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: أَنْبَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَكْرٍ بْنُ حَبِيبٍ
السَّهْمِيُّ قَالَ: أَنْبَأَنَا حَاتِمٌ بْنُ صَنْعَةَ:

قَالَتْ أُمُّ الْفَضْلِ زَوْجَةُ الْعَبَّاسِ - رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا -: رَأَيْتُ فِي
مَنَامِي قَبْلَ مَوْلِدِهِ كَانَ قِطْعَةً مِنْ لَحْمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قُطِعَتْ فَوُضِعَتْ
فِي حِجْرِي.

فَفَسَّرْتُ ذَلِكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «خَيْرٌ رَأَيْتِ، إِنْ صَدَقَتْ
رُؤْيَاكِ فَإِنَّ فَاطِمَةَ سَتَلِدُ غُلَامًا فَأَدْفَعُهُ إِلَيْكَ لِتَرْضِعِيهِ».

قَالَتْ: «فَجَزَى الْأَمْرُ عَلَى ذَلِكَ».

فَجِئْتُ بِهِ يَوْمًا إِلَيْهِ، فَوَضَعْتُهُ فِي حِجْرِهِ، فَبَيْنَمَا هُوَ يُقَبِّلُهُ فَبَالَ،
فَقَطَّرَتْ مِنْ بَوْلِهِ قَطْرَةً عَلَى ثَوْبِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَرَضْتُهُ فَبَكَى.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَالْمَغْضَبِ: «مَهْلًا يَا أُمَّ الْفَضْلِ، فَهَذَا ثَوْبِي يُغْسَلُ وَ

السَّلَامُ الْأَوَّلُ فِي الْأُمُورِ الْبَتِّدِيمَةِ عَلَى الْقِتَالِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

